

نقش نهادهای توسعه‌ای مهاجران در پایداری اجتماعات روستایی

ولی اله رستمعلی‌زاده^۱

چکیده

امروزه با ورود به دنیای مهاجرت‌های گسترده بخصوص در مناطق روستایی، ما با مسائلی چون خالی شدن روستاها و بحث توسعه و پایداری روستایی مواجهیم. برخی از مهاجرت‌های روستا-شهری بخصوص در کشورها و مناطق با سنت‌های قوی خویشاوندی، طایفه‌ای، اجتماع محلی و هم‌قومی، منجر به ایجاد نهادهای توسعه‌ای در میان مهاجران شده، و در پاره‌ای موارد منابع مالی آنها به روستاهای زادگاهی بازگشته و منجر به توسعه و پایداری روستاها شده است. بنابراین هدف این تحقیق این است که نهادهای توسعه‌ای مهاجران در ایران چگونه شکل گرفته‌اند و اینکه آنها با چه راهکارهایی می‌توانند در توسعه روستایی نقش ایفاء کنند. بدین منظور داده‌های مربوط به مقاله حاضر به شیوه کیفی و با اتخاذ رویکرد نظریه بنیانی و با استفاده از فنون مصاحبه و بحث گروهی، مشاهده، بررسی اسناد و مدارک و همچنین تاریخ شفاهی در روستاهای بنیس و دریان که دارای نهادهای مهاجرتی در تهران هستند، جمع‌آوری شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌های شکل‌گیری نهادهای توسعه‌ای در میان روستاهای مورد مطالعه، تجربه مهاجرتی، حمایت مهاجران قدیمی، تعاملات اجتماعی و روحیه حمایت اجتماعی در میان مردم، تعلق به زادگاه، اتحاد و انسجام مهاجران در مقصد، و مواردی از این دست بوده است. راهبردهای آنها هم برای بازتولید نهادهای توسعه‌ای، بازیابی و بازسازی شئون قدیمی، شبکه‌سازی، سرکشی و مراجعت به روستا، داشتن محل سکونت در روستا و ... بوده است. پیامدهای این راهبردها هم، جریان وجوه ارسالی، سرمایه‌گذاری در زادگاه، سکونت خانه دومی و پدیده برگشت به روستا بوده است. این پیامدها باعث شده‌اند که رونق و توسعه اقتصاد محلی و سرزندگی اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی در روستاها شکل بگیرد و همه اینها متعاقباً باعث پایداری اجتماعات روستایی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، نهادهای توسعه‌ای مهاجران، تعلق به زادگاه، توسعه روستایی، پایداری روستایی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۲۰

^۱ . استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور v.rostamalizadeh@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ سازمان‌های بین‌المللی توسعه، اهمیت زیادی به جریان‌های وجوه ارسالی^۱ با تاکید بر آثار بالقوه آنها در توسعه کشورهای مهاجرفرست دادند. علاقه به تاثیر وجوه ارسالی در بهزیستی^۲ و توسعه محلی در فضایی ظهور کرد که اصلاحات ساختاری و سیاست‌های تجارت آزاد در جهت بهبود شرایط زندگی اکثر مردم کشورهای در حال توسعه، با شکست مواجه شد (61-60: Canales, 2007). بنابراین در چنین شرایطی بود که پس از دهه ۱۹۹۰، سازمان‌های بین‌المللی چون بانک جهانی، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۳، سازمان‌های غیردولتی و دولت‌های ملی، بطور فزاینده وجوه ارسالی را بعنوان راه‌حلی برای توسعه تبلیغ می‌کنند (Faist, 2008: 22). این موسسات مختلف، سرمایه اجتماعی موجود در شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی و سازمان‌های مهاجر و وجوه ارسالی آنها را منابع ارزشمندی برای فقرا می‌دانند و بر این عقیده‌اند که اگر استفاده درستی از این سازمان‌ها و سرمایه‌ها صورت گیرد، این وجوه می‌توانند بر آسیب‌پذیری اجتماعی و خطرات اقتصادی حتی در محیط‌های بسیار نامطلوب ساختاری، غلبه نمایند. بنابراین هم دولت‌های ملی و هم سازمان‌های بین‌المللی در استراتژی‌های توسعه‌ای خود، بر نیاز به استفاده از وجوه ارسالی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط و همچنین سایر انواع ارسال‌ها که باعث ایجاد سرمایه‌های تولیدی و انسانی می‌شوند، تاکید می‌کنند (Ratha, 2003).

کانون ارسال وجوه ارسالی بخصوص وجوه ارسالی جمعی، تشکیلات گروه‌های مهاجران است که جوهری را جمع کرده و منابع ارسالی آنها برای انجام پروژه‌های توسعه اجتماعی در زادگاه است (Paul and Gammage, 2004:3). حقیقت این است که این سازمان‌ها با تبدیل شدن به یک ابزار موثر برای ارتقای شرایط اجتماعی و اقتصادی شهرها و مناطق مبدأ خود از طریق کمک‌های مالی که در قالب وجوه ارسالی جمعی به این مناطق ارسال می‌کنند، شناخت عمومی به دست آورده‌اند (Alarcon and Escala Rabadan, 2007: 130). هدف اصلی این انجمن‌ها ارتقاء بهزیستی اجتماعات خود با ارسال کمک‌های مالی است که برای ایجاد زیرساخت‌های عمومی و انجام پروژه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، اعضای این جوامع توجه خاصی را به نیازهای گروه‌های بسیار آسیب‌پذیر در شهرهای زادگاه خود دارند

¹. Remittance

². Well-being

³. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

(131: Alarcon and Escala Rabadan, 2007). اکثر این انجمن‌ها از محیط‌های روستایی نشأت می‌گیرند، یعنی جاییکه شبکه‌های مهاجرت خیلی مستحکم‌تر است. علاوه بر این، این شبکه‌ها اکثراً مبتنی بر حس زادگاه/ منشأ مشترک محلی یا منطقه‌ای، هستند. این شبکه‌ها حمایت عمده‌ای را برای مهاجرین جدید، با تامین دسترسی به اطلاعات و منابع (شغل، مسکن، مدرسه و ...) در جامعه جدید فراهم می‌کنند (Massey et al, 1987; Alarcon And Escala Rabadan, 2007). "انجمن‌های زادگاهی¹ و اجتماعات بومی نمونه‌ای از سازمان‌های مهاجران هستند که به عنوان یک عامل بالقوه در فرایند اعمال نفوذ سرمایه‌ها برای «سرمایه‌گذاری» و «توسعه» در کشورهای فاقد منابع یا با منابع فقیر شناخته می‌شوند (Paul and Gammage, 2004: 3). آنها همچنین با نهادهای دولتی در جریان‌های وجوه ارسالی مالی، دانش، ایده‌های جهانی و افکار و اندیشه‌های سیاسی و ارسال سرمایه‌های انسانی تعامل دارند (Faist, 2008).

بنابراین امروزه با ورود به دنیای مهاجرت‌های گسترده بخصوص در مناطق روستایی، ما با مسائلی چون خالی شدن روستاها و بحث توسعه و پایداری روستایی مواجهیم. برخی از مهاجرت‌های روستا- شهری بخصوص در کشورها و مناطق با سنت‌های قوی خویشاوندی، طایفه‌ای، اجتماع محلی و هم‌قومی، منجر به ایجاد نهادهای توسعه‌ای در میان مهاجران شده است. می‌توان گفت که همین مهاجران می‌توانند به عنوان عامل‌های توسعه، نقش مهمی در توسعه و پایداری روستاها ایفاء نمایند. لذا با این چشم‌انداز هدف این تحقیق این است که نهادهای توسعه‌ای مهاجران در ایران چگونه شکل گرفته‌اند و اینکه چه عوامل و زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری آنها شده و آنها با چه راهکارهایی در توسعه روستایی در ایران می‌توانند نقش ایفاء کنند؟.

ادبیات و چارچوب مفهومی تحقیق

نهادهای سازمان‌های مهاجران به طور معمول در ادبیات مهاجرت به انجمن‌های زادگاهی مشهور هستند. اینها سازمان‌هایی مهاجری بوده و دارای ماهیتی اجتماعی هستند و بر اساس محورهایی توسط مهاجران همسان اجتماعات مختلف در شهرهای بزرگ و مهاجرپذیر شکل می‌گیرند. محورهای شکل‌گیری در قالب اوقات، مذهبی و مناسبتی یا مناسکی و همچنین حمایتی می‌باشند و بر این اساس بسیج افراد هم‌شهری صورت می‌گیرد. در شکل‌گیری اولیه این انجمن‌ها، شبکه‌های حمایتی و استفاده از منابع موجود در این شبکه‌ها، وجود پیشروان و رهبران قوی، احساس غربت، و مواردی از این قبیل تاثیرگذار هستند. "این انجمن‌ها نگهدارنده فرهنگ و ارزش‌های جامعه مبدا بوده" (Paul and Gammage, 2004) و احساس مسئولیتی در قبال زادگاه در میان اعضا

¹ . Hometown Associations (HTAs)

ایجاد می‌کنند و جهت‌گیری به سمت توسعه زادگاه دارند. این جهت‌گیری در درون مولفه‌های نوع دوستانه، حمایتی، ابزارگرایانه، سرمایه‌گذارانه و... قرار دارد (رستمعلی زاده، ۱۳۸۷). ابزار عمده سازمان‌های مهاجری وجوه ارسالی است. آنها به چهار شیوه از طریق وجوه ارسالی رفاه خانواده‌های دریافت کننده را بالا برده و توسعه اجتماعات محلی را ارتقا می‌دهند (نقل از Canales:2007):

(۱) سرمایه‌گذاری تولیدی؛ مطالعات مختلف نشان می‌دهند که وجوه ارسالی برای تامین مالی پروژه‌های تولیدی بخصوص در محیط‌های روستایی به کار برده می‌شوند، در نتیجه توسعه محلی از طریق این صنایع پویا شکل می‌گیرد و جریان‌های اقتصاد محلی را تقویت می‌کند.

(۲) کاهش نابرابری اجتماعی؛ این امر بطور گسترده پذیرفته شده که وجوه ارسالی، شرایط زندگی و سطح رفاه جمعیت دریافت کننده را افزایش می‌دهد و بنابراین شیوع فقر را کاهش می‌دهد (Jones 1998). از طرفی، حجم وجوه ارسالی بطور گسترده، سطح درآمد را از گونه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی یا تولیدی محلی افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، وجوه ارسالی در زمینه کاهش فقر نسبت به سایر انواع انتقال‌ها موثرتر است، زیرا که بطور مستقیم و بدون عبور از فیلترهای حمایتی یا بوروکراتیک به کسانی که به آنها نیاز دارند، جریان می‌یابد (Durand, Parrado, and Massey: 1996).

(۳) تثبیت اقتصاد کلان؛ سازمان‌های مختلف دولتی بواسطه مقادیر بالای وجوه ارسالی، نقش آن را در پایداری اقتصاد خرد کشورهای ارسال شده متذکر شده‌اند. مخصوصاً، در مقایسه با دیگر منابع سنتی تبادلات خارجی، وجوه ارسالی پویایی و ثبات بیشتری را نشان می‌دهد و بنابراین آن را به عنوان منبعی قابل اعتماد برای درآمد و همچنین منبعی که به مردم این امکان را می‌دهد که بر بحران‌ها فائق آیند، تبدیل می‌کند. با این وجود، جریان‌های تاریخی نشان می‌دهند که در ادوار بحران‌های اقتصادی، زمانیکه پول‌های خارجی و ذخایر داخلی، فرار سرمایه را تجربه می‌کنند، جریان‌های وجوه ارسالی بر خلاف آنها افزایش می‌یابد (Ratha, 2003).

¹ . Macroeconomic Stability

۴) خدمات بانکی برای فقرا؛ زمانیکه وجوه ارسالی از مجاری رسمی عبور می‌کنند، می‌توانند به توسعه و قدرتمند شدن بخش مالی کشور دریافت کننده، کمک کنند. به هر اندازه خانواده‌های بیشتری وجوه ارسالی را از طریق نهادهای بانکی دریافت کنند، در این صورت آنها می‌توانند مشتریان این گونه نهادها شده و به وام‌ها و طرح‌های مالی مختلفی هم برای استفاده عمومی چون (مسکن، بهداشت، آموزش، حمل و نقل و ...) و هم سرمایه‌گذاری تولیدی دست یابند (نقل از Canales, 2007).

بنابراین آنچه مشخص است وجوه ارسالی اثر مثبتی بر توسعه اجتماعات گیرنده دارند. اما نکته دیگر این است که چرا مهاجران، سازمان‌هایی را تشکیل داده و جوهی را به زادگاه خود ارسال می‌کنند؟.

مشارکت گروه‌های معینی از افراد در انجمن‌های زادگاهی ممکن است تحت تاثیر زمینه‌هایی چون فرهنگ سیاسی، ارتباطات خانوادگی، شرایط مادی، هویت فرهنگی و سطوح همبستگی آنها، باشد. افراد می‌توانند هویتشان را از طریق مجاری اجتماعی‌ای که در اطراف خود دارند بیان نمایند. بدین منظور، آنها اغلب درگیر در فعالیت‌هایی می‌شوند که به آنها اجازه می‌دهد که هم احساس تعلق و هم هویت به اجتماع گسترده‌تر را تجربه نمایند و همچنین به آنها فرصتی می‌دهد تا در جامعه پیرامون خود سهم باشند. تحت تاثیر هر دو، هم بوسیله تجربه فراملیت‌گرایی^۱ و هم بوسیله علاقه به برقراری ارتباط با زادگاه و کشورهای میزبان، مهاجران اغلب به دنبال ابزاری کردن تعلق^۲ هستند، تا برای خود تعریفی جستجو نمایند و این را از طریق فعالیت در انجمن‌های زادگاهی انجام می‌دهند (Orozco and Garcia-Zanello, 2009: 2-3). بنابراین، یکی از عناصر مهمی که هویت افراد را تعریف می‌کند توانایی عملی کردن احساس وابستگی^۳ شان از طریق شیوه‌های مادی و نمادین است. تعلق به یک انجمن زادگاهی یک فعالیت عملی و در عین حال اساسی از تعلق به کشور زادگاه است (Orozco, 2006: 6). یعنی "مشارکت مهاجران در انجمن‌های زادگاهی نشان دهنده احساس تعلق عمیق آنها به مکان‌های زادگاهی‌شان است" (Evans, 2010). بنابراین انجمن‌های زادگاهی که بوسیله مهاجران شکل می‌گیرند به دنبال حمایت از مکان‌های مبدأ هستند و همچنین روابط با جوامع محلی را حفظ می‌کنند و علاوه بر این برای اینکه مهاجران برای زندگی در کشورهای جدیدشان سازگار شوند، یک احساس به اجتماع محلی (احساس اجتماعی بودن) را

¹. Transnationalism

². Instrumentalization of Belonging

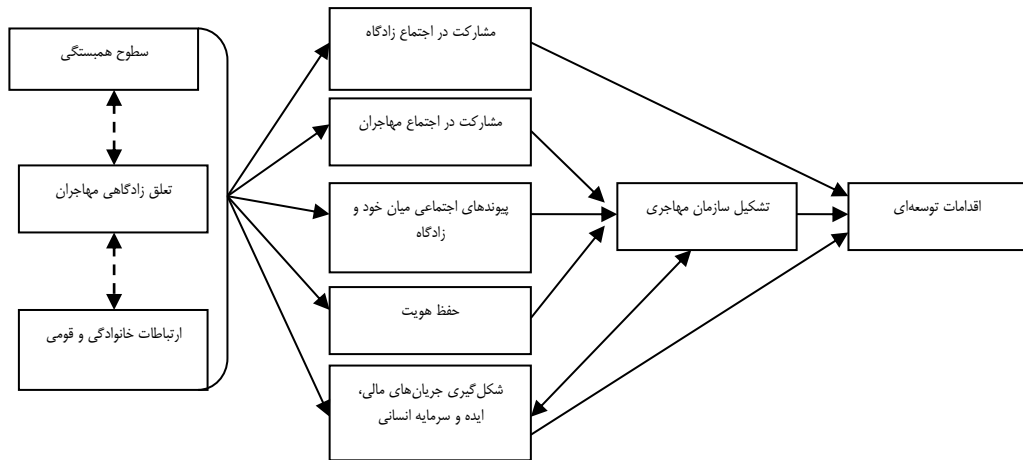
³. Sense of Belonging

ایجاد می‌کنند (Orozco and Garcia-Zanello, 2009: 1). یعنی این احساس وجود دارد که به اجتماعی وابسته هستند و در موقع لزوم به آن مراجعه کرده و از آن حمایت، منزلت و هویت دریافت می‌کنند.

بنابراین علاقه به حفظ هویت فرهنگی و کمک و سهیم بودن در جامعه، پایه و اساسی برای ارتباط بین انسان دوستی و توسعه فراهم می‌نماید. مهاجران در تلاش خود برای حفظ ریشه‌ها در کشورهای میزبان و مهمتر از همه، به منظور کمک و سهیم بودن در توسعه زادگاه، اکثراً درگیر انسان دوستی شده و به طور معمول درگیر انجام این کار از طریق انجمن‌های زادگاهی هستند (Orozco and Garcia-Zanello, 2009: 3). بنابراین از این طریق، در دنیای به شدت جهانی شده امروز، مهاجران می‌توانند ارتباطات عمیق و روابط چندوجهی که جوامع اصلی و مقصدشان را به یکدیگر وصل می‌کند برقرار نمایند (Phillip and Ho, 2010: 82). در اینجاست که فعالیت برای توسعه زادگاه "اغلب مرتبط با تجدید احساس تعلق به زادگاه و نیز یک اجبار کاربردی برای بهبود شرایط شهرهاشان بویژه کمک به جلوگیری از مهاجرت آینده که ناشی از فشارهای اقتصادی در اجتماع محلی است" (Orozco, 2003). علاوه بر این موارد، امروزه تکنولوژی‌های جدید حمل و نقل و ارتباطات، محدودیت‌های فضایی و زمانی را بسیط کرده‌اند و گفته می‌شود که نیروهای محرکی هستند که اجازه می‌دهند مهاجران متعلق به یک اجتماع خاصی در مکانهای جغرافیایی متعدد و دوری ساکن شده و به هم مرتبط شوند (Fitzgerald, 2008) و فضاهای جدیدی برای ارتباط و توسعه زادگاه باز نمایند.

بنابراین با الهام از ادبیات مرور شده در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که تعلق به زادگاه در کنار همبستگی و ارتباطات خانوادگی و شناخت مشترک، باعث می‌شود که مهاجران هم علاقمند به حفظ هویت و ارتباطات خود باشند و همچنین با تشکیل سازمان‌هایی این هویت و ارتباطات را حفظ نمایند. همین ابزار تعلق به زادگاه، در کنار همبستگی و ارتباطات میان مهاجران که در سازمان‌های مهاجری نمود پیدا می‌کند، باعث می‌شود که سازمان‌های مهاجری در مکان‌های زادگاهی خود به سرمایه‌گذاری و کارهای توسعه‌ای بپردازند.

شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق



روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات کیفی است و از نظریه زمینه‌ای جهت ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از عوامل و زمینه‌هایی شکل‌گیری نهادهای توسعه‌ای، راهبردهای مردم برای برخورد با این پدیده و اثرات آنها در توسعه روستایی استفاده شده است. از آنجا که منطق استقراء بر اصول و مبانی فلسفی نظریه زمینه‌ای حاکم است (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰) لذا مطالعه حاضر اساساً مطالعه‌ای داده محور است.

بر این اساس از تکنیک‌های مصاحبه، مصاحبه گروهی، مشاهده، بررسی اسناد و مدارک و همچنین تاریخ شفاهی جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. بر اساس اصول حاکم بر نظریه زمینه‌ای، داده‌های گردآوری شده در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استخراج و دسته‌بندی شدند. در این مطالعه «کدگذاری باز به صورت عبارت به عبارت و سطر به سطر» انجام شده است و هر کدام از عبارت‌ها یا سطور یا جمله‌ها، توسط مفاهیمی که نمایانگر محتوای آنها بوده است دسته‌بندی شده‌اند. لازم به ذکر است که مفاهیم استخراج شده در این مرحله زیربنای شکل‌گیری مقولات جزء، عمده و هسته را در نظریه بنیانی شکل می‌دهند. دومین مرحله در کدگذاری داده‌ها، کدگذاری محوری نام دارد. محقق در این مرحله از تحلیل داده‌ها به برقراری ارتباط محتوایی داده‌ها و ارتباط میان مقولات می‌پردازد. همچنین مفاهیم و مقولات برآمده از مراحل کدگذاری باز و محوری، زیربنای کدبندی گزینشی را تشکیل می‌دهند. در واقع کدبندی گزینشی آخرین مرحله از کدگذاری در نظریه بنیانی است. در این مرحله کار کدبندی به پایان رسیده و مقوله هسته مشخص می‌گردد. هدف اساسی این مرحله تفسیر آن چه که منجر به

ظهور مقوله هسته شده است، می‌باشد که در قالب «خط سیر داستان» صورت می‌گیرد. در جدول یک برای نمونه به فرایند ساخت مفاهیم و مقولات از داده‌های خام اشاره شده است.

جدول شماره (۱): نمونه‌ای از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آنها در حوزه تعلق به زادگاه/ محلی‌گرایی

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه روستاییان	مفهوم استخراج شده	مولفه
۱	چون وطن آبا و اجدادی است اینجا را دوست دارند می‌خواهند برای اینجا خرج کنند تا آباد شود.	وطن اجدادی / ریشه‌های تاریخی	تعلق به زادگاه
۲	کار می‌کنند و به این روستا می‌آورند و در اینجا خرج می‌کنند و پول‌هایشان را سرمایه‌گذاری می‌کنند.	سرمایه‌گذاری در زادگاه	
۳	هر کسی می‌خواهد که زادگاه خود را از زادگاه دیگری بالاتر نشان دهد.	علاقه به پیشرفت زادگاه	
۴	می‌آیند و سرمایه‌گذاری می‌کنند چون حداقل دوران بچگی خود را در اینجا سپری کرده‌اند.	سپری کردن دوران کودکی	
۵	این تعلق خاطر از آنجا حادث می‌شود که ذهنیت‌شان نسبت به روستا روشن است.	ذهنیت روشن به روستا	
۶	همه به این روستا و به جایی که در آن به دنیا آمده‌اند علاقه دارند.	علاقه به روستا	
۷	در تهران همه می‌آیند و جمع می‌شوند و آن به خاطر این است که وحدت دارند و هم اینکه همشهریان خود را دوست دارند.	دوست داشتن همشهریان/ وحدت	
۸	علاقه داریم که وطنمان پیشرفت کند علاقه داریم که خاکمان پیشرفت کند.	علاقه به پیشرفت روستا	

جمعیت مورد مطالعه شامل زنان و مردان ۱۵ سال به بالای روستاهای بنیس و دریان در شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی بوده است. این روستاها دارای جمعیت قابل توجه مهاجری و همچنین انجمن زادگاهی در تهران بوده و در سالیان اخیر نقش مهمی در توسعه روستاهای مورد ذکر داشته‌اند. این افراد ترکیبی از افراد مهاجر و ساکن بوده‌اند و شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بوده است در این شیوه نمونه‌گیری که در تحقیقات کیفی کاربرد دارد حجم نمونه مشخص

^۱. Story Line

نیست و گردآوری داده‌ها تا مرحله رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه خواهد یافت. بنابراین در این پژوهش با ۴۱ نفر از مطلعین محلی، نخبگان و افراد جامعه مورد مطالعه مصاحبه به عمل آمد و از تکنیک‌های اعتبار پاسخگو و کنترل توسط اعضاء جهت حصول اطمینان از اعتبار یافته‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

تاریخچه نهادهای توسعه‌ای مهاجران

مردم روستاهای مورد مطالعه از دیرباز به علت مهاجرت‌های زیاد، دارای جمعیت مهاجری قابل توجهی در مقاصد مهاجرتی بودند. آنها در گذشته برای کسب معاش و زندگی بهتر راهی شهرهای روسیه (قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی) و ترکیه (استانبول) شده و سال‌ها در آن شهرها اقامت می‌کردند و با کسب تجربه و اندوختن ثروت و آشنایی با آداب و رسوم آنجا به زادگاه خود بر می‌گشتند. بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) نیز، بیشتر ساکنین این ناحیه به تهران مهاجرت کردند (نبیی و نبیی، ۱۳۸۲؛ سلیمی فرد، ۱۳۸۲). بطوریکه آبا و اجداد روستاهای شانجان، بنیس، دریان، شبستر، خامنه، دیزج خلیل و دیگر آبادی‌های شهرستان از پنجاه سال پیش به تهران مهاجرت کرده و در آن شهر ساکن شده‌اند (سلیمی فرد، ۱۳۸۲: ۳۲۶). بنابراین مسیرهای مهاجرتی شبستری‌ها همزمان با شکل‌گیری و رونق شهر تهران تغییر کرده و به سمت این شهر متمرکز شد. بخشی از این جمعیت زیاد مهاجری، مربوط به "مهاجرت شبکه‌ای" آنها می‌شد. "مهاجران منطقه شبستر، خویشاوندان دور و نزدیک و همشهری‌ها و هم‌ولایتی‌های خود را به جایی که هستند دعوت می‌کنند و جوانان جوایای کار با رغبت تمام دعوت آنان را قبول کرده و راهی آنجا می‌شوند" (سلیمی فرد، ۱۳۸۲: ۳۲۶) و مهاجران قدیمی نیز آنها را حمایت و راهنمایی می‌کردند. این مهاجران همواره سعی داشتند که در مقاصد مهاجرتی، انجمن‌ها و تشکل‌هایی از هم‌محلّی‌ها تشکیل داده و علاوه بر خبرگیری از وضعیت همدیگر و کمک به یکدیگر، در توسعه زادگاه خود نیز سهم باشند. تاریخ تاسیس انجمن‌های زادگاهی در میان روستاییان منطقه شبستر به سال‌های مهاجرت به شهرهای قفقاز و روسیه بر می‌گردد. چنانچه گفتیم، در این زمان از مناطق مختلف شهرستان شبستر، جمعیت درخوری در شهرهای روسیه ساکن بوده و آنها به منظور جمع‌شدگی در کنار هم، این انجمن‌ها را تشکیل می‌دادند. بطوریکه مجازی (۱۳۸۸) در مونوگرافی منطقه شانجان و گونئی^۲ به

^۱ . Theoretical Saturation

^۲ . شانجان نام روستایی در منطقه شبستر است و گونئی نیز یکی از نام‌های قدیمی منطقه است.

این نکته چنین اشاره می‌کند: "در سال‌های دهه ۱۳۰۰، بزرگان جمعیت خیریه شانجانی‌هایی که در شهر باکو کار می‌کردند ("جمعیت خیریه شانجانی‌های باکو") از شانجانی‌ها پول جمع کرده و در سال ۱۳۰۶ شمسی مدرسه «کمال» را با اصول جدید بنیانگذاری کردند" (مُجازی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). در اینجا مشخص می‌شود که در دهه سال‌های ۱۳۰۰ و حتی قبل‌تر از آن در شهرهای قفقاز، مردم منطقه شبستر دارای انجمن زادگاهی بوده و از این نیرو برای توسعه زادگاه استفاده می‌کردند و بنابراین این سازمان‌ها را می‌توان تا ۱۰۰ سال دنبال نمود. همچنین وی می‌گوید: برای دوام کارهای عام‌المنفعه و عمرانی شانجان، "جمعیت خیریه شانجانی‌های تهران" در سال ۱۳۲۲ با اتحاد شانجانی‌ها تشکیل شده است (مُجازی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). ملکی علیشاه (۱۳۹۱) نیز در کتاب «مونوگرافی علیشاه»^۱ می‌نویسد: علیشاهی‌ها مسجدی در تهران دارند که در سال ۱۳۴۳ تاسیس شده و اما هیات علیشاهی‌ها قبل از این تاریخ بوده است این مسجد به عنوان مرکز مراسم دینی و اجتماعی علیشاهی‌ها در تهران است (ملکی علیشاه، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در تاریخ دریانی‌ها نیز شکل‌گیری اولیه شبکه آنها از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۵ اتفاق می‌افتد که تبلور آن در مراسم مذهبی بوده است. از سال ۱۳۲۵ رسیدگی به امور دریانی‌ها شروع می‌شود و از سال ۱۳۶۰ به بعد حسینیه دریانی‌ها در تهران تاسیس می‌شود. و از میانه دهه ۱۳۸۰ تشکیل‌های توسعه‌ای چون هیات سی نفره، شرکت عمران دریان، شرکت یاران دریان شکل می‌گیرند که نقش مهمی در توسعه روستای دریان و دریانی‌های تهران دارند (رستمعلی‌زاده، ۱۳۸۷).

چنانچه گذشت، روستاییان منطقه، دارای نهادهای مهاجری در تهران هستند و از آنها برای بهبود زندگی اجتماعات خود سود می‌برند. نهاد انجمن زادگاهی بنیسی‌ها نیز در تهران به نام «انجمن خیریه بنیسی‌های تهران» معروف است که ویژگی‌ها و کارکردهای آن چنین است:

«در حال حاضر خیریه بنیسی‌ها در تهران دارای حدود سیزده چهارده هیات امن است و اینها تصمیمات اساسی خیریه را می‌گیرند». «این خیریه یک سازمان بزرگ بوده و در درون آن کمیسیون‌های مختلفی چون پزشکی، فرهنگی، ورزشی و غیره وجود دارد». «بواسطه این خیریه همه بنیسی‌ها در آنجا جمع شده و در انجام کارها با هم مشورت و همفکری می‌کنند» وقتی که «در خیریه تصمیم گرفته شد به روستا رجوع کرده و در روستا نیز دوباره از مردم نظر می‌گیرند» لذا «در روستا نیز به هر تصمیمی که از طرف خیریه گرفته شود عمل می‌کنند» و بنابراین این «خیریه و اهالی بنیسی هستند که توسعه این روستا را به پیش برده‌اند».

۱. نام روستایی در منطقه شبستر است.

علاوه بر نهاد "انجمن‌های زادگاهی" نهادهای حمایتی دیگری چون "صندوق‌های قرض‌الحسنه"، "ستاد جهیزیه"، "بیمه‌های مردمی" و مواردی از این قبیل در این روستاها وجود دارند که حامی مردم هستند. اگر نهاد انجمن زادگاهی، توسعه و عمران روستا و اجتماع محلی را هدف‌گیری کرده است، نهادهای حمایتی مذکور ارتقاء و بهبود بهزیستی مردم را مدنظر قرار می‌دهند و توجه ویژه‌ای به زندگی مردم دارند.

زمینه‌های شکل‌گیری پدیده نهادهای توسعه‌ای

چنانچه اشاره شد، مردم روستاهای مورد مطالعه در گذشته برای کسب معاش و زندگی بهتر دست به مهاجرت زده و در شهرها و کشورهای مختلف ساکن می‌شدند. در تاریخ دریانی‌های تهران می‌بینیم:

"مردمان این روستا از قدیم برای کسب و کار و تجارت از روستای خود مهاجرت کرده و در شهرها و کشورهای اطراف زندگی می‌کردند. عمده‌ترین محل مهاجرت آنها در دوران مشروطیت و قبل از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷، روسیه بوده است. اما با وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه، دریانی‌ها محل مهاجرت خود را تغییر داده و حتی مهاجرانی که در روسیه و قفقاز بودند به ایران آمده و مسیر مهاجرت خود را به تهران تغییر دادند. اولین دریانی‌ها در بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ وارد تهران شدند" (رستمعلی زاده، ۱۳۸۷).

مهاجران جدید تا پیدا کردن شغل و کسب و کار، از حمایت مهاجران قدیمی برخوردار بودند و علاوه بر این، همین حمایت از همدیگر بتدریج به نهادسازی مهاجران می‌انجامید. "دریانی‌ها مردمانی مهاجر پیشه بوده‌اند و همواره زندگی در غربت را تجربه می‌کردند. هر کدام از این مهاجران تازه وارد، تا پیدا کردن کسب‌وکار در خانه آنها ساکن شده و در زمینه پیدا کردن کسب‌وکار و محل سکونت به آنها کمک می‌کردند". علاوه بر این مردم منطقه هم، به هر کجا که مهاجرت کرده‌اند، وطن مادری خود را از یاد نبرده و درآمدی را که در آنجا کسب کرده‌اند را به وطن خود آورده‌اند. آنها این درآمد را در آبادانی زادگاه خود و در مواردی چون مدرسه، راه، آب، قنات، باغات و متعلقات آنجا و در دیگر مسائل زندگانی هزینه کرده‌اند (مُجازی، ۱۳۸۸: ۳۸). یعنی آنها دل از زادگاه مألوف خود نکنده و آنچه را که به دست می‌آوردند به منطقه می‌فرستادند (نبیی و نبیی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

نکته دیگر علاوه بر حمایت مهاجران قدیمی، تعاملات اجتماعی در درون اجتماع محلی مهاجران و زادگاه بوده است که باعث می‌شود افراد بواسطه داشتن روابط و ارتباطاتی در داخل اجتماع محلی چون شناخت از هم، حفظ شئونات و احترام همدیگر، دارای علاقه به اجتماع محلی شوند و مردم و

اجتماع آنجا را دوست داشته باشند و به نوعی به آن تعلق داشته باشند. افراد وقتی در درون اجتماع خود از تعاملات و روابطی گرم برخوردار باشند و در مواقع مختلف از همدیگر حمایت کنند، این ویژگی‌ها باعث می‌شود که فرد علاقمند و دوستدار اجتماع محلی خود و مردم آنجا باشد. مردم به دلیل اینکه با همدیگر روابط اجتماعی گرم و نزدیکی دارند و انسجام اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد بیشتر علاقمند به بهبود وضعیت زندگی همدیگر و روستای خود هستند و یکی از این راه‌های بهبود را در مشارکت خود و شکل دادن نهادهای توسعه‌ای و حمایتی می‌بینند.

مهاجرانی که بطور تاریخی تعلقاتی در روستاهای خود دارند و علاقمند به حفظ و بازتولید شئون، حرمت‌ها و روابط زادگاه در جامعه مهاجری هستند، تبلور علاقه به زادگاه در این افراد بیشتر است. این ویژگی‌ها به همراه عواملی چون «نگاه مثبت به زادگاه» و «شکل‌گیری خاطرات کودکی» و به نوعی شکل‌گیری جهان زیسته افراد در آن، از عوامل ایجادکننده پدیده تعلق به زادگاه در میان مردم منطقه شبستر هستند.

"... بنیسی‌ها(ی تهران) چون در اینجا جاپایی دارند و زادگاهشان است، آن سرمایه‌گذاری را که می‌خواهند (در جای دیگر) انجام دهند، در بنیس انجام می‌دهند که هم جای خوش آب و هوایی است و هم به اینجا تعلق قلبی و قلبی داشته و هم تعلق خاطر دارند و حداقل دوران بچگی خود را در اینجا سپری کرده‌اند." "خیرین اینجا به این روستا خیلی کمک می‌کنند، چون می‌خواهند اینجا را آباد کنند. چون اصلشان به اینجا بر می‌گردد و در اینجا به دنیا آمده‌اند."

بنابراین همه اینها باعث تبلور «علاقه به زادگاه» می‌شود. این علاقه و بازتولید آن، خود را در بالاترین درجه و مرحله خود در تاسیس انجمن‌های زادگاهی متبلور کرده است، این علاقه نه فقط در کمک به زادگاه متبلور است که همان نام انجمن‌ها (انجمن دریانی‌ها، بنیسی‌ها و ...) خود گویای تعلق به زادگاه است. به نوعی با تاسیس چنین انجمن‌هایی، مهاجران در اندیشه بازتولید اجتماع مبداء و نیاکانی خود با همان اصول و شئون در مقصد هستند تا هویت فرهنگی و قومی خود را حفظ نمایند.

بدون وجود اتحاد و روابط گرم در میان مهاجران، و حمایت از هم در زمینه‌های مختلف؛ و با وجود چشم و هم‌چشمی، مخالفت و یا ندیدن موفقیت همدیگر، مطمئناً هیچ شبکه و جمع‌شدگی‌ای میان مهاجران در شهرهای بزرگ شکل نمی‌گیرد و در واقع چنین کاری بی‌معنی است. "در مجالس ترحیم و در سایر مناسبت‌ها و برنامه‌ها، همه هم‌ولایتی‌ها به خیریه می‌آیند ... آن هم به این دلیل است که وحدت دارند و هم اینکه همشهریان خود را دوست دارند." "کسانی که در خیریه ما

حضور دارند، انسان دوستی دارند و به وطن خودشان هم علاقه زیادی دارند بنابراین این خیریه را به سمت فعالیت های توسعه ای در زادگاه سوق داده اند."

راهبردهای بازتولید و مدیریت نهادهای توسعه ای

وقتی علل و زمینه هایی باعث شکل گیری پدیده ای می شوند، نیاز است که راهبردهایی هم در پیش گرفته شوند تا پدیده مدیریت و بازتولید شود. «بازیابی و بازسازی شئون قدیمی» یکی از این راهبردها است که باعث می شود شرایط و ویژگی های اجتماع اصلی و قدیم دوباره در میان مردم بازسازی شود و بدین طریق «شبکه سازی» صورت بگیرد. فرایند شبکه سازی باعث تشکل و جمع شدگی مردمان روستا شده و مردم در مراسم، مناسبت ها و مناسک و در زمان های مختلف، با هم در ارتباط بوده و یا رفت و آمدهای متمادی میان مردم برقرار باشد.

همچنین همواره «سرکشی به متعلقات» و «مراجعه مراسمی و مناسبتی و مناسکی به زادگاه» که برای حفظ و ارتقای تعلق به زادگاه نقش اساسی دارد صورت می گیرد و در نتیجه «شبکه میان مقصد و روستا» ایجاد می شود. افراد سعی می کنند که با مراجعات مختلف به روستا و سرکشی به آشنایان، متعلقات و غیره، همواره رابطه خود با روستا را قطع نمایند. البته این حرکت از سمت روستا نیز به سمت تهران صورت می گیرد. بطوریکه در مراسم هایی که در تهران برگزار می شود همواره افرادی از روستا حضور می یابند. بنابراین بدین گونه همواره ارتباط میان روستا و مهاجران برقرار است و از گسست آن جلوگیری می شود. این شرایط نمی تواند بدون «داشتن محل سکونت در روستا» دنبال شود. امروزه اکثر مهاجران روستاها، در روستای زادگاه خود دارای خانه و محل سکونت هستند و این ویژگی امروزه به نحو بارزی در میان اکثر روستاهای شهرستان شبستر قابل ملاحظه است. یعنی به نوعی این اقدام "تثبیت عضویت در زادگاه" است.

بنابراین مهاجران در زمان های مختلف چون تعطیلات، مناسبت ها و مناسک مختلف محلی، ملی و مذهبی در روستا حضور دارند. این شبکه سازی و شناخت، منجر به تداوم رفت و آمدها در شهر نیز شده و علاقه به جمع شدگی در تهران را در میان مهاجران و در مناسبت ها و موقعیت های مختلف بوجود می آورد. "آنها در سال یا ماه، پنج روز، ده روز یا یک ماه به روستا می آیند و در اینجا زندگی می کنند، بنابراین به این می اندیشند که بهتر است مراجعت کرده و در جای خود، وطن و زادگاه مادری خود را آباد کنند." "در تابستان سه ماه و در عید نیز ۱۵ روز به روستا می آیند در ماه محرم نیز چند روزی به اینجا می آیند به جز اینها در اینجا جمعیت کم می شود."

پیامدهای توسعه‌ای نهادهای مهاجران

راهبردهای اتخاذ شده در مواجهه با پدیده نهادهای توسعه‌ای مهاجران، پیامدهای زیر را برای روستاهای مورد مطالعه به دنبال داشته است. از جمله پیامدهایی که باید به آن اشاره کرد «جریان وجوه ارسالی» به سمت روستاهای مورد مطالعه و «سرمایه‌گذاری در زادگاه» است.

"در تهران خیرینمان دور هم جمع می‌شوند و چنین مطرح می‌کنند که می‌خواهیم فلان کار را برای روستا انجام دهیم. در اینجا برای مثال یکی ۲۰ میلیون متقبل می‌شود، یکی ۳۰ میلیون، دیگری ۵۰ میلیون کمک می‌کند. اینها خیرین ما هستند، بقیه مردم هم در حد توان خود کمک می‌کنند." "اگر از تهران پول نباید نمی‌شود اینجا را به این خوبی آباد کرد مثلاً در روستای شما این همه ساخت و ساز می‌شود؟ آیا روستایی توان پرداخت حتی ۲۰۰ هزار تومان را هم دارد؟!"

جریان وجوه ارسالی با ایجاد شبکه‌سازی میان مبدأ و مقصد شکل می‌گیرد و مهاجران و نهادهای توسعه‌ای و حمایتی، وجوه ارسالی فردی و جمعی خود را به سمت زادگاه روانه می‌کنند. وجوه ارسالی جمعی از طریق نهاد انجمن زادگاهی و بصورت کمک‌های جمعی و یا تعریف پروژه‌های خاص و جمع‌آوری پول برای آنها صورت می‌گیرد. اما وجوه ارسالی فردی اغلب برای خانواده‌ها است که از طرف نزدیکان خانواده‌های مهاجران ارسال می‌شود. "جوانان می‌روند و در تهران کار و زندگی می‌کنند و یک پولی هم بصورت ماهیانه به پدر و مادر خود ارسال می‌کنند تا بتوانند امورات زندگی خود را بگذرانند". بنابراین روستاییان ساکن در مناطق دیگر، با داشتن حس علاقه به زادگاه، به ارسال وجوهی به روستا و منطقه مبادرت می‌کنند. این عمل وجوه ارسالی یک "کنش تاریخی کار در بیرون و خرج در زادگاه" است که از گذشته‌های دور در میان روستاییان منطقه وجود دارد. همچنین نمی‌توان «سرمایه‌گذاری در زادگاه» و «اقدامات توسعه‌ای» در منطقه و روستا را به عنوان پیامدهای تعلق به زادگاه نام نبرد، این علاقه به مردم و اجتماع محلی است که نخبگان، کارآفرینان و دیگر افراد را به این فعالیت‌ها سوق می‌دهد. ذکر یک نکته اینجا ضروری است که وجوه ارسالی همواره پولی و مالی نیست در بیشتر مواقع وجوه ارسالی اجتماعی نیز در میان مقصد و مبدأ در جریان است که فرایندهای انتقال نوآوری‌ها، ایده‌های نو اجتماعی و فرهنگی، نگرش‌های نو و ... است که در حوزه وجوه ارسالی اجتماعی قرار می‌گیرد.

در نهایت اینکه، پیامد راهبردهایی چون سرکشی به متعلقات، مراجعات مراسمی و مناسکی و ایجاد محل سکونت، به «سکونت خانه دومی در روستا» و "پدیده برگشت به روستا" انجامیده است. اکثریت روستاییان منطقه علاقه خاصی به ساخت خانه در روستا دارند و بطوریکه در

زمان‌هایی از سال به همراه خانواده در روستا هستند و یا عده‌ای از مهاجران برای دوران بازنشستگی خود به روستا بر می‌گردند. داشتن محل سکونت در روستا باعث شده که هم درگیری بیشتری در فعالیت‌های روستایی داشته باشند و هم زمان بیشتری را در روستا سپری کنند. مهمتر از همه این موارد، فرزندان نسل‌های بعدی مهاجران که در شهرها متولد می‌شوند با این رفت و آمدها و سکونت در روستا، با فرهنگ، زبان، شئونات و غیره اجتماع آشنا شده و هویت اجتماع محلی خود را بازسازی می‌کنند. علاوه بر اینها، این شرایط باعث شده است که نمای بیرونی روستا و محیط و فضای روستایی، نما و فضایی زنده و بهتر باشد. همچنین با حضور مهاجران در روستا، شور اجتماعی در روستا بوجود آمده و باعث بهبود وضعیت کسب و کار و اشتغال در داخل روستا شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تعلق به زادگاه، حمایت مهاجران قدیمی، ارتباطات و کنش‌های گرم در میان هم، اتحاد و حفظ هویت فرهنگی و قومی، به عنوان مولفه‌های اثربخش اجتماعی عمل کرده و باعث شده‌اند که کنش‌های مهاجران به سمتی حرکت نماید که به تشکیل نهادهای توسعه‌ای (انجمن زادگاهی) در میان مهاجران بینجامد و همچنین به رفتارهای بازسازی مکان‌های مبدأ و حفظ ارتباط و رفت و آمد به مبدأ بینجامد. تعلق به زادگاه در میان مهاجران روستاهای مورد مطالعه در دو جنبه خود را نشان داده است؛ در یک بعد با ساخت انجمن زادگاهی به منظور بازتولید اجتماع محلی و شئونات زادگاه در شهرهای بزرگ خود را بازنمود کرده است که این انجمن‌ها هدف اصلی شان کمک به زادگاه و ارتقای زندگی مهاجران است. در بعد دوم، حفظ ارتباطات با زادگاه بوده است. یعنی بواسطه تعلق به زادگاه همواره ارتباطاتی را با زادگاه برقرار کرده و با آن قطع ارتباط نکرده‌اند. این ویژگی نیز باعث می‌شود که مهاجران پول و سرمایه خود را به زادگاه انتقال داده و در توسعه و پیشرفت آنجا سهیم هستند.

همانطور که گفتیم راهبردهای مردم در برخورد با پدیده نهادهای توسعه‌ای، بازیابی و بازسازی شئونات قدیم، شبکه‌سازی، سرکشی به متعلقات، مراجعه مراسمی و مناسبتی و مناسکی به زادگاه و داشتن محل سکونت در روستا بوده‌اند. این راهبردهای پیامدهایی چون سکونت خانه دومی در روستا، پدیده برگشت به روستا، جریان یافتن وجوه ارسالی مهاجران، کنش تاریخی کار در بیرون و خرج در زادگاه، سرمایه‌گذاری در زادگاه، اقدامات توسعه‌ای و مواردی از این قبیل را داشته است. بنابراین راهبردها مذکور به همراه پیامدهای منبعث از آنها به توسعه روستایی در روستاهای مورد مطالعه کمک کرده است.

لذا می‌توان نتیجه گرفت که مهاجران روستایی امروزه می‌توانند به عنوان نقش سرمایه‌گزاران و کارآفرینان روستایی را اعمال کرده و با گسترش سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در روستا، در توسعه روستاهای مبدأ خود سهیم شده و از مهاجرت گسترده جوانان به شهرها جلوگیری کرده و از تخلیه‌ی روستاها جلوگیری نمایند. در بعد دیگر این نهادهای توسعه‌ای می‌توانند با تشکیل شبکه‌های کسب و کار و حمایتی از مهاجرین جدید حمایت نموده و اطلاعات لازم کسب و کار، اشتغال، سرمایه و ... را به آنها منتقل نموده و از آنها کارآفرینانی جدید بسازند. بنابراین استفاده از ظرفیت، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های اجتماعات محلی و انجام و ابداع نوآوری‌هایی در این مسیر می‌تواند توسعه‌ی روستایی را در کشور به پیش براند. در این نوع از الگوی توسعه، مردم در متن اصلی فرایند توسعه و بهبود قرار دارند، برنامه‌ریزی‌ها، کنش‌ها، اقدامات، بودجه‌ها و ... همه مردمی است. در این نوع از توسعه، اقدامی توسعه‌ای که از بالا بوده باشد و یا خواست مردمی نبوده و مردم آن را از خود ندانند، و در راستای نیازهای ضروری مردم نباشد، صورت نمی‌گیرد. این نوع از توسعه کاملاً همخوان با الگوهای توسعه محلی در رویکردهای توسعه پایدار، پساتوسعه و توسعه انسانی است. نهایت اینکه، انجام این تحقیق نشان داد که در مطالعات توسعه توجه به توانمندی‌ها، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های درونی اجتماعات مهاجری بخصوص سرمایه اجتماعی آنها اهمیتی اساسی دارد. اگر از سرمایه و توانمندی‌های درونی اجتماعات مهاجری استفاده درستی صورت بگیرد، اجتماعات مهاجری قادر هستند با راهکارهای نوآورانه خود چون ایجاد شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌های زادگاهی، و جوه ارسالی با جریان و انتقال منابع و سرمایه‌ها در زنجیره گسترده زمانی و مکانی، نقش مهمی در پایداری اجتماعات روستایی ایفاء نمایند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰)، روش‌های کاربردی تحقیق؛ کاربرد نظریه بنیانی، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۸۷)، شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های زادگاهی و اثرات آن بر توسعه روستایی؛ مطالعه موردی دریانی‌های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سلیمی فرد، احمد (۱۳۸۲)، نگاهی به تاریخ و جغرافیای شبستر - تسوج - صوفیان، تهران: نشر سبب سرخ، چاپ اول.
- مُجازی، عبدالعلی (۱۳۸۸)، شانجان (فولکلور - ادبیات) بر اساس مونوگرافی منطقه گوئی، تهران: نشر اندیشه نو، چاپ اول.
- ملکی علیشاه، احمد (۱۳۸۷)، علیشاه، تهران: نشر تهران، چاپ اول.
- نبیی، عباس و نبیی، سلمان (۱۳۸۲)، تسوج در گذرگاه تاریخ (با نگاهی اجمالی به تاریخ، جغرافیا و فرهنگ منطقه شبستر (ارونق و انزاب))، چاپ اول.
- Alarcon, Rafael and Escala Rabadan, Luis (2007), **Transnational Philanthropy and Organizational Strategies: The Challenge of Mexican Hometown Associations in the United States**, Chapter 5 at Book: International Labor Migration, Vol. 4. Edited by: Beatrice Knerr, Kassel University Press.
- Canales, Alexandre I. (2007), **Remittances, Development and Poverty in Mexico: A Critical View**, Chapter 3 at Book: International Labor Migration, Vol. 4. Edited by: Beatrice Knerr, Kassel University Press.
- Durand, Jorge, Emilio A. Parrado, and Douglas S. Massey, (1996), Migradollars and Development: A Reconsideration of the Mexican Case, **International Migration Review**, 30 (2): 423-444.
- Evans, Martin (2010), Primary Patriotism, Shifting Identity: Hometown Associations in Manyu Division, South-West Cameroon, **The Journal of the International African Institute**, Volume 80, Number 3, 2010.
- Faist, Thomas (2008) **Migrants as Transnational Development Agents: An Inquiry into the Newest Round of the Migration-Development Nexus**, Popul. Space Place 14, 21-42 (2008) Published online in Wiley InterScience (www.interscience.wiley.com) DOI: 10.1002/psp.471

- Fitzgerald, David (2008), Colonies of the Little Motherland: Membership, Space, and Time in Mexican Migrant Hometown Associations, **Comparative Studies in Society and History** 2008; 50(1):145-169.
- Massey, Douglas, Rafael Alarcon, Jorge Durand, and Humberto Gonzalez, (1987), **Return to Aztlan, the Social Process of International Migration from Western Mexico**, Berkeley: University of California Press.
- Orozco, Manuel (2003), "**Hometown associations and their present and future partnership: New development opportunities?**". Inter-American Dialogue. Washington, D.C.: United States Agency for International Development.
- Orozco, Manuel (2006), **Diasporas, philanthropy and hometown associations: the Central American experience**, March 22, 2006: <http://www.thedialogue.org/PublicationFiles/central%20american%20htas%20report.pdf>
- Orozco, Manuel; Garcia-Zanello, Eugenia (2009), Hometown Associations: Transnationalism, Philanthropy, and Development, **Brown Journal of World Affairs**, Spring/Summer 2009, volume xv, issue ii.
- Paul, Alison and Gammage, Sarah (2004), **Hometown Associations and Development: The Case of El Salvador**, Working Paper, Women's Studies Department, George Washington University and Center for Women and Work, Rutgers, The State University of New Jersey.
- Philipp, Annika; Ho, Elsie (2010), Migration, Home and Belonging: South African Migrant women in Hamilton, New Zealand, **New Zealand Population Review**, 36:81-101.
- Ratha, Dilip. (2003), **Worker's Remittances: An Important and Stable Source of External Development Finance**, Global Development Finance 2003, pp 75-157, Washington, DC: World Bank.